صاحب امتیاز: عباس رستا
سال اول شماره اول
تکشماره ۲ ریال
پنجشنبه ۳ مهر ۱۳۳۱

مدیر مسئول: پرویز سلطانی
جای اداره لاله‌زار
روبروی پیرایش دوزندگی
تلفن ۳۹۸۷۰

در آنروز که من زمام مردم را بدست گیرم بطبقات اشراف واعیان که مولد سازمان کثیف و آلوده پیشین است احترام نمیگذارم و بگله اشراف گوش نمیکنم و بنیادکاخهای با عظمت را که از بسط ظلم بوجود آمده درهم فروخواهم ریخت . . .
علی علیه السلام

با تضعیف ارتش

بیرون کردن شاه کار آسانی است!..

آنگاه :

ایجاد یك حکومت کمونیستی آبخوردن است ...

انجام توطئه‌های کودتائی درمشرق وشهرت هائی که در باره کودتا واستعفای شاه از سلطنت درایران رایج گردیده چون بامرنوشت کشورما وآینده‌ما وفرزندانمان بستگی دارد بما اجازه میدهد که در اولین شماره سرمقاله خود را باینموضوع حیاتی اختصاص دهیم .

گذشته ملت ایران نشان داده است که هرگاه قدرتی در کشور ماپدید شد نه تنها توانستیم باوضاع آشفته خویش سروسامانی بدهیم بلکه قدرت وسلطه خودرا نیز بخارج ازکشور توسعه دادیم .

شما صفحات تاریخ درخشان ایران را ورق زنید بهر کجای آن که رسیده‌ید می بینید در هر فرصتی که مردانی نیرومند بیدار گشتند کشور ما را ازچنگال اجانب نجات داده وحشی قشون مهاجم را اسیر و برده وفرمانبردار خویش ساختند .

ما با احترام بدین مقدس اسلام وآئین نجات بخشی که ازجانب خدا بوسیله حضرت محمد (ص) پدید گشت از هزاران مثال میزنیم که این مرد ایرانی با وجود اسارت مردم در چنگال عرب وتسلط تعصبات دینی درروحیه مردم چگونه توانست ارکان حکومت عرب را در ایران متزلزل سازد .

وبراثر همین هنرنمائی وعقل واراده این مرد بزرك مرد دیگری مانند خواجه نصیرالدین طوسی بکمك هلاکوخان تا آن جا پیشرفت که باکشتن المعتصم الله آخرین خلیفه عباسی بساط خلافت وحکومت عرب را برچید .

پس ازحمله مغول نیز دیری نگذشت که ازهر سوی ایرانیان بر قشون مغول تیدند و آنان را اسیر هوش و سرپنجه اقتدار خویش کردند !

آنروزکه افاغنه برکشور ما تاخت آوردند وایران را دچار هرج ومرج و آشفتگی وبی نظمی کردند یکی از میان ایرانیان با کمك مردمی دلیر واز خود گذشته برخاست وایران را ازچنك افاغنه نجات داد .

این مرد بزرك تاریخی نادرقلی بود که بعدا نادر شاه افشار شد که بازهم با کوشش واراده خلل ناپذیر خود با گرد آوردن نیرو بهندوستان نیزحمله برد و ذخائر مهمی برای کشور ما وارد آورد که اکنون پس از سالها هنوز جزو سرمایه کشورما قراردارد .

این مطالب که هرکدام ازآن فصلی بزرك ازتاریخ درخشان کشور مارا در جهان گذشته تشکیل میدهد بخوبی مورد توجه بیگانگان قراردارد و بهمین دلیل است که تمام نیروهای بیگانگان و بیگانه پرستان صرف مبارزه با نیروی متمرکز ملی است که در ملت ایران ایجاد شده است واگر در این باره موشکافی هائی شود دیده میشود که بسیاری از مسائل ازهمین ریشه آب میخورد .

زیرا . . .

بهر تقدیر که ما قوی هم اسباب

زحمت آنها است :

. . . .

. . . .

. . . .

چنان که دیدیم رضا شاه پهلوی که بی تردید بر حسب کمك وپشتیبانی وصلاح سیاسی

بقیه درصفحه ٤

شیلات راهم ملی کنید!!

تاریخچه شیلات . امتیازها . تهدید بلشویکها ، ناپدید شدن اسرار آمیز ایانازونی

تاریخچه امتیاز شیلات از ۷٦ سال قبل شروع میشود درسال ۱۲۹٦ هجری قمری مطابق ۱۸۷۹ میلادی حاج میرزا حسن خان مشیرالدوله وزیر خارجه ایران امتیاز شیلات شمال را بمدت ٥ سال سه ارمنی که تبعه روسیه بودند داد این سه نفر ارمنی که اسامیشان مارتین لیانازوف وبلیکف وآزاریاس نامیده میشد مطابق قرارداد سالی ..... تومان بایران میپرداختند پس از اتمام این مدت کامران میرزا نایب السلطنه ٥ سال مدت را اضافه کرد وقرارشد که هرساله هزار تومان اضافه بروجه سابق بدولت ایران پرداخته شود درسال ۱۳۰٦ قمری میرزا عباس قوام الدوله صدر اعظم ایران امتیاز مزبور را ٥ سال دیگر تمدید نمود وقرارشد که هرسال ٥ هزارتومان اضافه برسابق یعنی رویهمرفته سالی ٦۰ هزار تومان

بقیه درصفحه ٤

بقلم یکی ازمطلعین بزرك اقتصادی ایران

لزوم رفرم اقتصادی درایران

این مقاله بقلم یکی از مطلعین بزرك اقتصادی ایران در باره اقتصادیات ایران تهیه شده است . دنباله این مقاله بواسطه نبودن جا بشماره بعد موکول میگردد .

مسائل اقتصادی وکارهای مالی وبازرگانی درکشور باید در راس تمام امور قرار گیرد ، تمام سیاستها ودوستیها ودشمنیهای ملل ودول درسرامور اقتصادی بوجود آمده ، هرفرد یا ملتی میکوشد جلب نفع ودفع ضرر نماید ، جنگهای بین دول وملل وجنگهای وحشتناك بین المللی اول و دوم تماما برای امور اقتصادی ورقابتهای تجارتی وصنعتی پیش آمده ، غالبین اول دفعه دستگاه صنعتی و تجارتی مغلوبین را جمع آوری و سعی نموده اند که مغلوبین برای مدتهای مدید نتوانند خودشان را دربازارهای داخلی وبین المللی وارد نمایند و همیشه ازجهت امور اقتصادی ومالی محتاج غالبین باشند ازیکی دوقرن باینطرف تمام دول باجدیت درتوسعه وازدیاد صنایع وتجارت خود قدمهای بلندی برداشته اند ، متاسفانه در کشورما متصدیان امور ومردم در گذشته توجهی باین امر نداشته ومسائل اقتصادی وبازرگانی را بی اهمیت شمرده که امروز گرفتار بدبختیهای بزرگی شده ایم ، امور اقتصادی ، سیاست در آن قسمت یکی از مسائل برجسته و مهم هر دولت و کشور است .

دراین قسمت باید یك رشته تشریك مساعی بین تشکیلات دولتی و خود مردم برقرار باشد، باید درتمام اموراز فعالیت و کارمردم با تدبیر وراهنمائی دولت وتشکیلات حداکثر استفاده را نمود

فعالیت های اقتصادی هر کشوری متناسب با وضع ومنابع طبیعی واستعداد مردم آن باید باشد. درکشور ایران منابع ثروت زیاد است ولی تاکنون فعالیتی برای استفاده ازآنها بعمل نیامده اکنون موقع آن رسیده است که مصادرامور و مردمان فهمیده ومطلع بانقشه های صحیح وفعالیت مردم از این ثروتهای حقیقی حد اکثر استفاده نمایند .

شایعات از روزنامه‌ها

وزیر توده‌ای در کابینه ملی مصدق

توطئه آسید نورالدین انگلیسی برای رئیس شهربانی . شاهپور علیرضا میخواهد مخالفین دربار را نابود کند - زدو خورد در منزل حضرت آیت اله کاشانی - یکماه ضرب الاجل برای تشخیص صلاحیت قضات تعیین شده است

وزیر حزب توده در کابینه . فوق العاده

اعضای حزب توده در مذاکرات و گفتگوهای خصوصی وعلنی اظهارمیدارند که ما درکابینه دکتر مصدق وزیر داریم توده‌ایها مدعی هستند که آقای لطفی وزیر دادگستری درکابینه دکتر مصدق وزیر آنهاست و از کمیته مرکزی حزب توده الهام می گیرد و نقشه‌هائی را که حزب برای تشکیلات دادگستری و اداره وزارت دادگستری دارد اجرا مینماید .

باید دانست که لطفی مدتی عضو هیئت مدیره جمعیت طرفداران صلح بود و فعالیت زیادی برای توده‌ایها میکرد ومصاحبه هائی که قبل از رسیدن بمقام وزارت میکرد علنا طرفداری از کمونیستها میکرد

امروز نیز بطوریکه علنا دیده می شود لطفی قضات توده‌ای را مصدر امور مهم کرده است و دست بانجام نقشه‌هائی برده که بنفع حزب توده خواهد بود ازطرفی در دستوراتی که حزب توده در هفته‌های اخیر باعضای حزب داده این نکته را برای اعضای حزب متذکر شده که تامدتی درباره وزارت دادگستری و عملیاتی که در آن وزارتخانه صورت میگیرد هیچگونه اظهاری نکنند ودر روزنامه‌هائی که در اختیار دارند ساکت باشند

برای محافل ملی باعث تاسف است که در کابینه ملی دکتر مصدق که باید ایران را ازچنگال اجانب بیرون بیاورد کمونیستها که ازمسکو الهام می گیرند و هرروز بدستورسفارت روس برای الحاق ایران بخاك شوروی نقشه میکشند وزرائی شرکت کنند که از کمیته مرکزی حزب توده دستور می گیرند .

بقیه درصفحه ۲

اخبار ایران

قرارداد بین لهستان وایران امضاء میشود

امتحان ورودی دانشکده حقوق در ۱۲ مهر ماه شروع میشود - دکتر شاخت دکتر مصدق رامردی دانا و صاحب اراده قوی معرفی کرد

آیت اله کاشانی از نمایندگان مجلس شورای ملی دعوت بعمل آوردند . شیلات نیز ملی خواهد شد

درسوم شهریور بین دولت ایران و کشور لهستان قرار داد بازرگانی منعقد شده وتا آخر هفته جاری بامضاء میرسد دراین قرار داد میزان مبادلات ٤ ۲ ملیون فرانك میباشد که صادرات ایران دروهله اول نفت ویکی از اقلام واردات قند و شکر خواهد بود

امتحان ورودی دانشکده حقوق روز شنبه ۱۲ مهر ساعت ۸ صبح در کشور دانشکده حقوق بعمل خواهد

بقیه درصفحه ۲

اخبار جهان

دوکامپری نخست وزیر ایتالیا بین وارد شد ـــ خدمات پزشکی در مصر مجانی میشود - نواحی نزدیك در پاکستان وهندوستان شبها درخاموشی بسر می برند - ترومن نطقی درمحله سیاه پوستان نیویورك ایراد خواهد کرد

رادهاکریشنان معاون رئیس جمهوری هندوستان ازایران وکشورهای خاورمیانه واروپا دیدن میکند - جبهه ملی لبنان بنفع کامل شمعون برای احراز مقام ریاست جمهوری فعالیت میکند - نتیجه انتخابات پارلمان سوئد .

درصفحه ۴

شیلات نیز بدنبال نفت باید ملی شود

«طغرل افشار»

در جهان سینما

سینما یك هنر کامل و عالی

سینما موثرترین وسائل توسعه روشن بینی عموم و رضایت خلق است!

مقدمه

یکی از موضوعات که در تهران بی اندازه مورد توجه و علاقه عموم قرار گرفته سینما میباشد و شاید بتوان گفت که سینما یکی از موثرترین و قویترین وسائل توسعه روشن بینی در تهران است و نمایش فیلمهای مختلف در روحیات عموم سینما روندگان تاثیرات بسزائی بجا می گذارد.

حالا خواه این تاثیرات مطلوب و یا نامطلوب باشد و مردم کم و بیش به غالب واقعیات و برخی از حقایق زندگی واقف میشوند.

این تاثیر باندازه‌ای شدید است که نمایش یك فیلم مضر باعث گمراهی و بالعکس نمایش یك فیلم با ارزش اخلاقی و اجتماعی باعث هدایت بینندگان میشود، بخصوص در چند سال اخیر گذشته از توسعه نمایش فیلم استودیوهای متعددی در تهران ایجاد گردید و بر تعداد علاقمندان سینما افزوده شد.

ولی متاسفانه در این سیر تکاملی در نتیجه بعضی عوامل و تبلیغات سینما بیشتر جنبه تفریحی پیدا کرد و تا اندازه‌ای از جنبه آموزشی خارج شد.

در حالیکه اثر آموزشی سینما یك اصل منطقی و مسلمی است که در طی مدت ها بخوبی مشهود گردیده است و اما از طرفی بدون شك هر هنر پیشه و بخصوص سینما که مجموعه کامل هنرهاست برای ترقی و توسعه و داحتیاج به انتقاد و صلاح دارد، بخصوص در تهران که جنبه آموزشی خود را تا اندازه‌ای از دست داده و جنبه تفریحی گرفته اقطعا باتوجه بتوضیحات فوق خوانندگان عزیز بلزوم ایجاد یك ستون انتقاد سینمائی واقف شده اند و ما نیز امیدواریم و تقاضا داریم که خوانندگان عزیز در این راه با ما مساعدت نموده و عقاید و نظریات خود را نیز برای ما ارسال دارند بعلاوه ما با نهایت میل بسئوالات خوانندگان نیز جواب خواهیم گفت:

در این شماره اولین بحث خود را به بهترین و عالیترین فیلمی که در این هفته در تهران نمایش میدهند «یعنی تاراس شفچنکو» اختصاص میدهیم:

تاراس شفچنکو

در قرن نوزدهم در کشور روسیه نویسندگان و شعرای بزرگی بوجود آمدند که تاریخ ادبیات این کشور بوجود چنین فرزندانی افتخار میکند لیکن اشار شدید عمال پست حاکمه پوسیده تزاری روسیه زندگی این نوابغ را بادرد و رنج و مرگ همراه ساخت و چنگال سیاه تشکیلات تزاری گلوی این آزاد مردان را فشرد.

پوشکین، لرمانتوف از کسانی بودند که در سنین جوانی بدست دژخیمان تزاری از پای در آمدند در حالیکه دوران زندگی پر افتخار آنان به چهل سال هم نرسید.

تاراس شفچنکو نیز یکی دیگر از این نوابغ و بعبارت دیگر یکی دیگر از قربانیهای اصول تزاری بود شاید اورا نمی شناسید و شاید نامش را هم نشنیده و آثارش را هم نخوانده باشید زیرا حکومت تزاری از محو و نابودی این افراد شدید خودداری میکرد.

تاراس هم بگناه خلق پرستی انسان دوستی و شعر سرودن برای دهقین ۱۰ سال از بهترین سالهای عمر خویش را در خدمت سربازی در نقاط پست دور افتاده در زیر سلطه افسران پوسیده و فاسد تزاری بسر برد، ۱۰ سال اجر و مشقت تحمل کرد ولی از هدف و آرمان خود دست برنداشت و تا آخرین لحظه عمر نیز در راه مقدس خود مجاهده و مبارزه کرد!

زندگی پر افتخار این شاعر و نقاش نامی روس در فیلمی که بنام خود او نامیده شده است و اکنون در سینما کریستال نمایش میدهند گرد آمده است.

تاراس این شاعر خلق شاعر مبارز راه آزادی و سراینده شعرهای روستائی است وی فرزند زارعین اوکرائین است که کودکی خود را در غلامی گذرانیده لیکن استعداد و نبوغ شگرف او توجه اهل ذوق و مشوقین هنر را جلب کرد و بالاخره به آکادمی هنرهای زیبا رفت و در رشته نقاشی به سرودن شعر نیز پرداخت اما این شعرها زمزمه‌ها و ناله‌های زارعین اوکرائین بود که از زندگی طاقت فرسای دهقانان زرخرید حکایت میکردند!

هنگامیکه باو گفتند: تو رامبراند «نقاش مشهور هلندی» روسیه هستی! در جواب گفت:

«من اگر رامبراند باشم، رامبراند زارعین و موژیکها هستم!»

هنگامیکه یکی از اشراف باو میگوید «شما هم در کودکی غلام بچه ای بودید و اینرا فراموش کردیم! او در جواب میگوید «آقا من هرگز اینرا فراموش نخواهم کرد که زرخرید افرادی مانند شما بودم» او حقیقت را مدتها بود که دریافته بود و این امر او را در مبارزه یاری میکرد، اراده آهنین مرموز راسخ احساساتی عالی و آتشین تاراس را انسانی عالی و بلندپایه ساخته بود، بجرم این احساسات وطن پرستانه و شعرهای انسان دوستانه خود محکوم به سربازی شد ولی این امر نیز در آرمان و هدف او تغییری پدید نیاورد حتی مراکوفسکی دوست صمیمی او به چرنیشفسکی گفت:

«جسم او از پای در آمده پیر شده ولی روحش تغییری نیافته»، در سال ۱۸۵۵ پس از مرگ نیکلای اول امپراطور روسیه در نتیجه مجاهدات نویسندگان بزرگ روسیه مانند چرنیشفسکی، دبرولیوبوف، تورگنیف، تولستوی و... تاراس آزاد شد و استقبال بی نظیر دوستان خود و هنرمندان روبرو گشت.

در این فیلم که بشکل موثری تنظیم شده بخوبی جریان زندگی تاراس افکار و احساسات او مجسم میگردد و در سایه یك بازی قوی و عالی روح پرشور و احساسات وصف نشدنی این شاعر نامی بطرز موثر تجلی مینماید جریان داستان فیلم تنها مربوط به تاراس نیست بلکه از طرفی اخلاق و آداب اشراف پوسیده و از طرف دیگر احساسات زارعین مجسم میگردد داستان فیلم گذشته از ارزش اخلاقی و اجتماعی خود دارای جنبه و ارزش تاریخی و هنری نیز هست فیلم «تاراس شفچنکو» محصول ۱۹۵۱ استودیو فیلمهای هنری شهر کیف شوروی میباشد رژیسور لاپوکینیش و اشاردف و کارگران ایکورسانچنکو میباشد اینرا هم باید متذکر شوم که داستان این فیلم مطابق ذوق روح ایرانی بخصوص روح حساس و هنرمند میباشد و از این لحاظ مورد پسند و علاقه اهل ذوق است ما بخوانندگان عزیز تماشای این فیلم را توصیه مینمائیم.

افتتاح آموزشگاه عالی خیاطی لگا

سندیکای خیاط و پیراهن دوز

مدیر سالن دوزندگی لگا پس از مسافرت از شهرهای آلمان و فرانسه و بازدید خیاط خانه‌های بزرگ پاریس و آلمان تصمیم گرفت بمجرد ورود بایران دست به تاسیس آموزشگاهی که اصول و قوانین برش را طبق متداول و بالائی که در آنجا تدریس بنماید بزند.

وی در مدت کوتاهی موفق شد که دیپلم خیاطی را از هنرستانهای مولیر آلمان و داروکس فرانسه بدست آورد و در پاریس برش وی جلب نظر فرانسویها را کرد و بهمین مناسبت شرح حال و عکس ایشان را در چندین مجله بچاپ رسانیدند و ایشان را مورد تشویق قرار دادند.

آقای روستا با معرفی سفارتخانه‌های ایران در آلمان و فرانسه عموم خیاطخانه های درجه یك آلمان و فرانسه را بازدید نمودند و همچنین چندین آموزشگاه برش خیاطی را از نظر گذرانیدند!

در مراجعت بایران ابتدا آقای روستا از وزارت فرهنگ اجازه تاسیس آموزشگاه خیاطی را گرفته و شروع بتکمیل وسایل آموزشگاه نمودند بهمین مناسبت از طرف مدیر آموزشگاه از عده‌ای از هنرمندان دعوت بعمل آمده بود در ساعت ۵ و ۴ آقای روستا شروع بصحبت کردند و شمه‌ای از مشاهدات خود را در اروپا شرح دادند و سپس منظور خود را از تاسیس آموزشگاه بیان نموده و گفتند که بنده نمی خواهم از این آموزشگاه استفاده های مادی بکنم همینقدر آرزو دارم که ایرانیها پا بپای قافله تمدن دنیا به جلو گام بردارند.

زحمات و فداکاریهای ایشان در راه تاسیس این آموزشگاه قابل تمجید و ستایش است.

اکنون در آموزشگاه عالی خیاطی لگا سه رشته تعلیم داده میشود نازك دوزی زنانه، کلفت دوزی زنانه و مردانه دوزی.

کلفت دوزی زنانه و مردانه دوزی تحت نظر متخصصین فن که دیپلمه اروپا میباشند تدریس میشود و زنانه دوزی نازك نیز تحت نظر بانوی متخصص تدریس میشود و باضافه گلدوزی، پنبه دوزی، پیله دوزی ابریشم دوزی، منجوق دوزی لباس‌های زیر پوش زنانه و لباس خانه نیز تدریس میشود.

تابحال عده زیادی اعم از زن و مرد برای شرکت در کلاسها نام نویسی نموده‌اند دوره کلاس چهارماه خواهد بود و شاگردان کلاس اگر بتوانند از عهده امتحانات برآیند از طرف آموزشگاه بایشان دیپلم داده میشود.

شایعات از روزنامه‌ها

چه خوابهائی در شیراز می‌بینند؟

بسوی آینده

- از شیراز خبر یافتیم که چندی قبل سید نورالدین شیرازی رهبر باصطلاح حزب «برادران» که از دستجات دست نشانده انگلیس‌ها است مجلسی باشرکت جمعی از جانبداران رئیس سابق شهربانی فروغ الملك قوامی تشکیل میدهد و میگوید دوازده سال نامبرده رئیس بود ما از هر حیث در تامین بودیم (رئیس مزبور سال قبل عوض شد) اکنون باید نا امنی ایجاد و کاری بکنیم که دولت دوباره مجبور بابقاء وی گردد.

این دارودسته پلید در نظر دارند روز های محرم حملات و عربده جوئی‌های ترتیب دهند و بافراد شرافتمند و آزادیخواه حمله برند تا بخیال خود بنفع رئیس شهربانی مستعفی زمینه سازی کنند.

شعله خشم - لعنت بر تمام بیگانه پرستان از هر قماشی که و در هر لباس که هستند.

نقشه سرکوبی مخالفین دربار ریخته شد

مرد آسیا

پریشب در باشگاه شکار که زیر نظر مستقیم شاهپور علیرضاست جلسه‌ای مرکب از چند نفر امرای لشکر و ارتش تشکیل گردید در این جلسه شالوده سرکوبی مخالفین دربار و بخصوص کسانیکه علیه شاهپور علیرضا در جراید بحملاتی دست زده و میزنند ریخته شد و بودجه آنهم برای این منظور تامین گردید

زد و خورد درمنزل حضرت آیت‌اله کاشانی

اصلاحات ایران

اخیرا در اذهان و افکار عمومی رواج داده‌اند که درمنزل حضرت آیت‌اله کاشانی زدوخورد شده و بحضرت آیت‌اله هم که میانه و واسطه بوده ضربت زده‌اند موضوع اینطور نبوده و تکذیب میشود قضایا ازاین قرار است.

شعبان بی مخ و امیرانکوری درمنزل حضرت آیت‌اله بودند باهم خیلی گرم و صمیمانه صحبت میکردند بعد باتفاق خارج شدند در خیابان پامنار شعبان باچاقو به امیرانکوری میزند مشارالیه هم شعبان چاقو میزند اهالی پامنار بحمایت امیرانکوری روی شعبان ریخته و اورا میزنند و مجروح می کنند شعبان که وضع را بد می بیند فرار نموده بمنزل آیت‌اله میآید امیرانکوری او را تعقیب و گلاویز میشوند که پاسبانها آنها را دستگیر و فعلا هم درمریضخانه بستری هستند البته همه اطلاع دارند روزیکه حضرت آیت‌اله تشریف آوردند تمام دارودسته‌ها پیشواز رفتند اول پامنار که طاق نصرت بود رسیدند غیر از دارودسته امیرانکوری، بدیگران اجازه ندادند بمنزل حضرت آیت‌اله وارد شوند این کینه شده بود دردل شعبان که نتیجتا این پیش آمد کرد بهبودی و شفای هردو نفررا ازخداوند خواهانیم

بگاه غرب الاجل برای تشخیص صلاحیت قضات معین شد

داد- دیروز درمحافل قضائی صحبت ازاین بود که آقای نخست وزیر برای تشخیص صلاحیت قضائی مدتی کمتر ازدو ماه وقت تعیین نموده‌اند که هیئت پنج نفری باین امر رسیدگی کند ولی درجلسه ای که پریروز درحضور آقای دکتر مصدق تشکیل گردید ایشان بآقایان قضات مامور تشخیص صلاحیت مستخدمین قضائی وزارت دادگستری توصیه و تاکید نموده‌اند که باید وظایف خویش‌را دراصلاح کادر قضائی کشور و تشخیص و تفکیك قضات با صلاحیت ازقضات ناصالح و بالاخره تصفیه دستگاه دادگستری تاانقضای پنجماه انجام دهند، و چنانچه دراین باره مسامحه بکار برند دولت ناچار خواهد بود مسئولیت را برعهده گیرد و خود اقدام نماید و دراین صورت مسئولیت قانونی متوجه آنها خواهد شد.

آقایان از دام عشوه زنان بپرهیزید

از مالکمپون سانتی مانتال

سابقا اگر کسی میخواست ازدواج کند ابتدا پدر و مادرش دختری را که برایش در نظر گرفته بودند می پسندیدند و پس از آن داماد معاشرت مختصری با دختر می کرد و اگر اورا می پسندید وسایل ازدواج را فراهم میساخت.

البته مرد میتوانست وقتی پدر و مادرش دختری را که دیده و پسندیده بودند، برای همسری انتخاب نکند، زیرا ناچار بود از همه لحاظ مراعات نظریات پدر و مادرش را بکند، اما در عصر حاضر قضیه بعکس شده است، یعنی پدر و مادر در انتخاب عروس آینده خویش کمتر دخالت میکنند و این حق را بعهده فرزندان خودشان واگذار کرده‌اند

مسلما برای پسران و مردانی که مجرب بوده و تعلیم و تربیت صحیحی را دیده باشند این امر اشکالی ندارد وحتی این امر بنیان زناشوئی آنان را محکمتر خواهد کرد، زیرا قبل از ازدواج فرصت کافی خواهند داشت که در روحیات و تمایلات و رفتار یکدیگر غور و بررسی کنند و در صورتیکه افق فکری و روحی آنان با هم تطابق داشت، وسایل ازدواج را فراهم سازند.

همین تجدد و تحول، در مقدمات ازدواج سبب شده که زنان یکی از قدیم ترین و کلی ترین سیاستهای خویش بیشتر توجه داشته باشند و آنرا بمرحله کمال برسانند

عشوه و ناز بصورت عاملی ترو گریزپائی و تمایل که آمیخته بایکدیگر اجرا میشوند یکی از تاکتیکهای ماهرانه و عمیقانه‌ایست که زنان مجرب و دختران آزموده برای بدام انداختن مردان بکار میبرند:

مثلا شما با دختر بازلی برای اولین بار ملاقات میکنید احتمال دارد که آن خانم زیبا باشد و شما هم مورد پسند او باشید کمی برای شما بچشم، دست آبرو، زبان عشوه و ناز میفروشد و شما را دعوت میکند که با او گرم بگیرید.

البته این دعوت زبانی نیست و بشما نمیگوید که بفرمائید تا قدری باهم صحبت کنیم، بگردش برویم اما شما اگر آدم بختی باشید، از حرکاتش احساس خواهید کرد که شمارا بسوی خود دعوت میکند.

وقتیکه زنی فهمید شما متوجهش هستید بانواع و اقسام وسایل عشوه‌گری میپردازد تا اینکه شمارا مجذوب سازد، تصور نکنید که این حالت فقط مخصوص زنان زیباست، بلکه چه بسا زنان زشت و متوسط نیز دست همه زنان را از لحاظ عشوه گری ازپشت بسته‌اند و مردان نیز ثابت شده که بیشتر به تیپ زنان پرعشوه و نازعلاقه‌مند میشوند

ماهترین نوع ماهرانه‌ای زنان را برای جلب مردان عشوه گری تشکیل میدهد و یکوقت شما احساس میکنید که نفهمیده و نسنجیده در دام عشق زنی اسیر شده‌اید

خوب حالا که اینطور است، باید ازاین دام پرهیز کرد، حتی الامکان فریب نگاه، حرکات دلچسب و محرك زنان را نخورد و باسانی بدام نیفتاد.

باور کنید این موضوع درباره صدی هشتاد ازمردانی که بدام عشقبازان یا دختری اسیر شده‌اند صدق میکند.

البته دختران زیاد آشنا بیرموز عشوه فروشی نیستند اما زنان قدری این صفت را خوب، موفقه‌اند که آنرا بمرحله خطرناك رسانیده‌اند.

بنا براین باید خیلی احتیاط کرد و از دامی که زنان پیوسته دوراه مردان گسترده‌اند پرهیز کرد.

اما وضع زنان و مردان واقعا خیلی بهتر ازسابق شده است شما دیگر زیر بار تحملات پدر و مادر نمیروید و هرطور که دلتان میخواهد همسر و شریك زندگی خودتان را انتخاب میکنید.

عشوه و غمازی برای دختران و زنان بی شوهر نیز لازمست اما باید این قواعد حرکت درجای مناسب بکار برده شود نه اینکه هرزنی هرمردی را که از او خوشش آمد میل داشته باشد اذیت کند و باو عشوه و ناز بفروشد.

این موضوع مخاطرات اخلاقی زیادی را در بردارد که موضوع مقال ما نیست ازطرفی تماس زیاد مردان و زنان کشور رفاقت و همکاری را بوجود آورده است.

ملاحظه بفرمائید در دانشکده‌ها معاشرتها در کارخانجات در مکانهای زندگانی و کار، زن و مرد مشترك شده حس رفاقت و همکاری بیشتری بوجود آمده است.

زنان بیشتر از سابق میدانند که چه نوع همسری میتوانند زندگی کنند مردان هم در انتخاب همسر با کمال آزادی مختار میباشند.

طنازی و عشوه گری بیجا و غیرمناسب شان زنان لایق و تحصیل کرده نیست نمیتوان انکار کرد که جنس زن خمیره‌اش باید با این مواد آمیخته شده باشد و دوست داشتنی نخواهد بود اما بعضی زنان هستند که دکان خودفروشی و عشوه گری باز کرده‌اند و باید مردان از همین تیپ زنان پرهیز داشته باشند.

آقایان مواظب باشید که حتی الامکان عشوه زنی شما را مدهوش نسازد، والا هوا نیز را مشاهده خواهید کرد که خودتان هم دوچار بهت و حیرت می‌شوید.

اما اگر زن شما، یا نامزد شما چنان حرکاتی کرد و خواست دلبری کند، زیاد اشکال ندارد بلکه مفید هم هست.

خبرهای ایران

بقیه از صفحه ۱

آمد داوطلبان که تاپایان تاریخ نام نویسی یعنی ظهر ششم مهرماه ثبت نام کرده باشند باید روز ۵ شنبه دهم مهرماه ساعت ۴ تا ۶ بعداز ظهر برای گرفتن کارت شرکت در امتحان مسابقه بدفتر دانشکده حقوق مراجعه نمایند

دکتر شاخت مصدق را مرد توانائی میداند

در کنفرانس مطبوعاتی که در شهر هامبورك آلمان تشکیل گردید دکتر شاخت سلطان اقتصادی جهان گفت مصدق مرد عصبانی و مستبدی نیست وی مردی سیاس و باحسن نظر و توانائی کامل باداره ملک ایران پرداخته موضوع نفت ایران باید از نظر بازرگانی حل شود نه از نظر سیاسی

دعوت حضرت آیت‌اله کاشانی از نمایندگان مجلس

در تعقیب ملاقاتی که روز پنجشنبه آقای مهندس رضوی نایب رئیس مجلس شورایملی باحضرت آیت‌اله کاشانی برای تعیین روش مجلس شورای ملی پس از ابراز اعتماد نموده بودند ازطرف آقای مهندس رضوی از کلیه نمایندگان مجلس شورای ملی دعوت بعمل آمد که ساعت شش و نیم روز دوشنبه آینده در منزل آقای مفید برای ملاقات حضرت آیت‌اله کاشانی حضور بهمرسانند

شیلات ملی می‌شود

بطوری که اطلاع می رسد دولت شوروی درنظر دارد که دوباره در امر شیلات اعمال نفوذ نموده و دوباره قراردادی بین دولتین ایران و شوروی بسته شود ولی جناب آقای دکتر محمد مصدق که در دوره پنجم مجلس شورای ملی مخالف امتیاز بروسها بودند و باتشکیل شیلات چدامخالفت کردند اکنون نیز نظر خود را حفظ نموده و گفته اند که باید بدنبال امپریالیزم سیاه انگلستان امپریالیسم سرخ را نیز از ایران ریشه کن کنیم و تنها راه آن ملی کردن شیلات میباشد.

گفته می شود که حزب توده بوسیله شیلات که دارای بی سیم های متعدد می باشد.

اخبار ایران را بشوروی مخابره و از شوروی نیز کسب دستور میکند و در ضمن منافع شیلات نیز برای تقویت حزب توده مصرف میشود نظر حضرت آیت‌اله کاشانی نیز درباره ملی شدن شیلات موافق است و احتمال دارد بزودی این نقشه اجر بوزارت دارائی ابلاغ شود.

چاپخانه اخترشمال

داستان هفته

بقلم شیروانپور

((بیاد فرزندان رشید آذربایجان))

آنجا کنار جویبار خوش‌خرامیکه نرمی در پیچ وخم تپه‌های بلند و خاکی چرخ میزد وهمچون مستان پیلو پیلو میخورد ولنزان ورقصان وی یکنواخت وترنم سرسر سرمیداد درخت کهن وسالخورد وتناوری جثه کلفت وخشن وپوك خودرا بزحمت سرپا نگهداشته شاخسارهای طول ودیرپرش بیم بشکل عصا برزمین تکیه داده بود وبرخی بروی نهالهای تازه و قلمه های سرسبز آلبالو گسترش داده دست نوازش برچهره لطیف واندام نحیفشان میکشید وآنهارا درسایه خنك ودل پذیرخویش جمع وجور کرده برایشان افسانه میگفت.

نسیم روحپرور وسحر گاهی قامتهای الف وسبزه‌یا مکشان‌را یکجا در آغوش خود میفشرد واز شدت ظرافت ولطافت دیك دیك بخود میلرزیدند.

گلهای وحشی سرخ، خودمالی ولخت ودور ازدل سنك کوه مثل قطرات درشت خون بیرون جهیده آنها نیزدر برابر وزش باد دیکبال ،رخ‌رخ وخوش‌آب ورنك خودرا درشال گردن سبز برك فروبرده وشبنم‌های براق و درخشان نشان میداد که دیشب چالیمون کرده‌اند وحالا ازفرط تب‌عرق نموده‌اند

کم کم ازپشت کوهسار اشعه زرین آفتاب تیغه‌های شفاف وطلائی خودرا در دل کوه وکمر، دشت وصحرا فروبرده قلمدوش شاخه های درختان سوارمیکرد و ازشاها وجرانه‌ها کولی میگرفت ونرم نرم بپائین میخزید ازنسیم سراغ شکوفه های شیطان وپرجست وخیزرا گرفته قطرات پرآب شبنم را از منظر دلفریبشان میمکید وته تویش‌را میلیسید. اما این نسیمی نبود که دوپایش‌را توی یك کفش نموده برای خود کنج ونجی انتخاب کند ولازم تا کام ساکت و آرام گوشه‌ای چنبك زند و انگشت بدهان محو تماشای طبیعت پرلعبت گردد نه، از همان موقع ستاره به‌آسمان که مرغ حق سرخاق خفته هوار میکشید بقچه بندیل خودرا روی گرده‌اش کشیده‌تمام درزودوزها وسوراخ سمبه‌هارا سرمیزد بام‌تاشام ازیمین ویسار وگل‌باجی ونسترن‌خانم وشکوفه خانم احوالپرسی می‌نمود وگاهی هم محض خاطردل با آنها فرنگی‌پامیشد خوب کجاها میرفت؟

از شما چه پنهان هرجا که فرود میامد میگفت جاداشتم و جانشین نداشتم آنوقت همه‌را پس و پیش میکرد وبرای خودش‌بوسه‌ای ازبربرخان‌چمن میربود وازنوك شاخه ها می آویخت وتاب میخورد.

میان خوشه های طلائی گندم باهایش رادرازمی کرد ولختی ولومیشد وتاج های مکلل آنهارابهم میسائید وبرایشان ازهمه جا ازآن خوب خوبهایش تعریف می کرد..

قصه های دیگران رابانهامیگفت و مال آنها رابرای اغیارسوغات میبرد داستانی راکه اکنون درخت کهن ماباملچ ملچ ونازو افاده جهت اطفال شوخ شود آن نهالهای باروح و شاداب آن غنچه های شکرشکن که سراپا گوش شده‌بادهان نیمه بازمات‌مات مادرفرتوت‌وچرو کیده‌خو را نظاره‌می کردند باردم‌داشت ازازبان نسیم خود مال آن پیرفرابات که ا قدر بسنك وکلوخ خورده تاحالااصاف و صوف ونرم وهموار گشته شنیده بود.

اودرحالیکه جای زخمهای تیر پیردهاتی راکه روزگذشته برای امتحان به بدنش وارد ساخته بود بتندی میخاراند لب ازلب گرفت وچنین گفت.

تابستان پنج سال پیش بود دخت طبیعت مانند همیشه عادت هرساله بسر دامن پرچین و شلیته جادارو گشاد خود گلبته های خوش ورنگین جلف وسنگین آویخته ومیاشان ریخته بود.

آنجارامشکین شهرمی گفتند بلی همانجا بودکه قلعلی دهقان خمیده‌وزارع چلیکه بااندام لاغر و باد بادکش درصحرای بیکران روی خرمنکوبی که دو گاو آنرا میکشید.

نشسته بود وباصدای ضعیف و لرزاش گاوانرا میراند وهمانطورکه دو درو می کرد باچشمان ریزومات رنگش بخرمنهای زرین گندم نگاه می کرد و آه میکشید وخوشه های گندم نیز ازشدت زجر وفشار بجلز وولز افتاده زوزه میکشیدند وخردوخمیر میشدند باد‌ملایمی میوزید وچهره آفتاب زده وسوخته اش را نوازش مینمود ولای‌چروکهای خاك آلودش را فوت میکرد پیر مرد بعد ازدو سه بار دهان گشودن وبستن بالاخره پس از دودلی سرش‌را طرف آلونك کوچك خودکه دوروبرش‌را ازگاه گل‌وسقفش‌را باتن‌وبدن تشك وبرتیر پشه‌شاخه‌های درختان پوشانده بودند بر گرداندو باتمام قدرت فریادزدآهای لطیفه مدتی نگذشت که ازداخل آلونك دخترچه زیروزرنگی با جامه بیات وپای برهنه بیرون پرید ودوان بجانب پدرش روان شده وچون نزدیکش رسید گفت چه‌کارم داری؟

قلعلی باصدای دورگه‌اش چنین گفت:

قربونت بشم به‌آب‌خوردن این جانشین و کاوهار وهین کن تامن به‌مشت‌آب بسروکله‌ام بزنم وخاك وخلمرا بتکونم امامبادا بپردوشاخ کنی وبازی گوش بشی بیاجون‌دلم خانم وخاتون‌دو این خرمنکوب جا بگیر تامن الان‌برگردم.

اینرا گفت وبآهستگی پائین‌آمد وبسوی‌نهرآب رفت وپس‌ازشستشوی‌سر وصورت خودچوب‌دستی کلفت وقلمبه سلمبه‌اش‌را میان‌مشت گرفت وآلونك وغیره رادرپشت سر گذاشت.

خیلی راه رفت تا اینکه بمیدان ده رسید ودهاتیها باهیاکل خرد و کلان تعراشیده ونتراشیده بسا کلاههای کپی وگیوه‌های زمخت وورکشیده دنبال گاو و گوسفند ومال‌خود در رفت وآمد بودند.

قلعلی لنگان ازکوره راهی پیچیده وارد میدان‌شد ویك‌راست بسوی‌قهوه خانه مشهد یداللهٔ‌رفت ووارد آن‌جا شد.

هوای قهوه‌خانه از زور دودقلیان وچپق گرفته وتار وخفه بود بیرون‌آن روی‌سکوی گلی که ازچندین‌سو دهان‌باز کرده بود دو امنیه با البسه‌زرد ورنك و رو رفته باسبیلهای کلفت وصورت‌های برافروخته وتر کیده نشسته بودند و گفتگو می نمودند.

درون‌قهوه‌خانه نیز ازانواع واقسام دهاتی‌ها پربود در یکی ازگوشه‌های آنجا چهارنفردورهم حلقه‌زده بودند قلعلی بود ومش‌یداللهٔ صاحب قهوه خانه همچنین بیوك‌آقا که جوانك خوش‌آب ورنك‌وتازه روئی بود چهارمی‌داهم نورعلی می گفتند ازدرگوش سخن گفتنشان پیدا بود که صحبت‌هایشان خصوصی ودر باره مطلب مشترکی است.

مش‌یداللهٔ که گفتارش دراثرآمدن قلعلی متوقف‌شده بود پس‌از سلام‌واحوال پرسی باو چنین گفت.

قلعلی جون‌آقائی که شما باشین‌داشتم می گفتم که بیوك‌آقاخبرهای خوبی امروز برامیون ازتبریز آورده اینطورکه گفته میشود یواش یواش رفقا دارن جون‌می گیرند وبرو‌پائی فرص میکنند.

پیش‌خودت بمونه که امسال تقی بتوقی کارها تومه وقرار ومدارها صورت عمل بخودشون می گیراند آنگاه آهی‌طولانی کشیده گفت یعنی میشه ما بالاخره بمراد خودمون برسیم ودست اربابها را از سرمون کوتاه کنیم؟

آیا میادآنروزی که اونهمه شکنجه‌وآزاردرانلانی کنیم‌وتقاص خون کبلائی وصدهامثل اونرو که‌زیرشلاق ارباب‌جون دادهاند بکشیم.

دراینوقع قلعلی تنه‌ای بمش‌یداله زدو گفت هیس‌یواش چه‌خبرته بنظارم میخواهی کاردستمان بدهی وپته‌را روی‌آب‌بندازی شاید غریبه ای‌مفتش‌شاءودنی که‌ومضواروبگیره

مش‌یداله درحالیکه نوك چهار انگشت دستش را پشتالی میزد وقهقهه‌سر میداد. گفت ای‌بابا اصلا آدم‌بزدل وشکاکی هستی تصدق برم‌اینهارو کدا نجابیرونی سر تا ته یك کر باسند و همه‌شون سرشو تورو اینکار ها گذاشته‌اند

واستی که خیلی ولوای‌زمستون تموم‌شده ورسیاهی بزغال مونده‌دوره بگیر وببند وبروبرواربابها روبغناست ،این‌هریزدردونه‌ها ،آقازاده‌ها دیگه‌حسابشون بابکی دوتا پوسیده‌وسیده وآبلیو ومردای مثل کبلائی وقلعلی خودمون نیست بالاشرو بگیر صدهزار تاگر هم‌دور هم‌جمع بشنه حریفمون نمیشنه

واس راستی نوبرش روآوردی وخیلی آدم‌بزدلی هستی ای‌بابا این‌تیکه پاره‌ها، لخت و پتی ها گشنه تشنه‌ها،وصله تن خودمونند وطعم ظالم ومزه‌جوروستم رواونها هم مثل ماچشیده اند وخرج عیش‌ونوش اربابهارو بدوش کشیده‌اند من‌وتوکه پیرهنمون توبه آفتاب خشك‌میشه و موهایمونرو توبه آسیاب سفید کرده‌ایم نباید این‌حرفهارو بزنیم خوب من‌جای‌دیگریم کاردارم وچندمحله‌دیگر راهم باید سرکشی کنم باقی حرفهایمون بیده واسه روز جمعه باشین بکسب و کارتون برسین کارهاتونرو برگذار کنید تاببد خدا بزرکه وفردارو کی دیده

قلعلی آخرین نفری بودکه بامش‌یداله خداانگهداری نموده دست‌جزغاله‌اش را تودست عصایش گذاشت وباهم هلك‌هلك راه آلونك خودرا پیش گرفتند

حالا دیگر بخوبی گاوآهن خودرا در حالیکه دخترش روی آن نشسته بود وآنرا میگرداند ازدور درچشمش میرفت و صدای نازك ودلاویز لطیفه در حرکت تشویق وکمکش‌می کردهاقبت پس‌ازخستگی ودر کوفتگی بسیار باورسیده‌ونفس زنان گفت بارك‌اله دخترم انشاءاله عروسیت خیلی خوب نوبت منست.

اماهنوز سخن آخرش رابپایان نرسانده بود که لطیفه

لطیفه در حینیکه قدری گرفته‌بنظر میرسید گفت باباچه خوب شد آمدی الان نیمساعت بیشتراست که‌ارباب توباغش منتظرته وگفت اگرکاسه آب‌دستشه بگذاره زمین وبیاد قلعلی ناچار راه خودرا کج نموده وبراه افتاد پس ازچندی درب باغ‌ارباب‌را کوبید وبعدازمدتی وارد آنجا شد وآهسته ازمیان جاده باریکی که‌سنگفرش شده بود باطاق ارباب راهنمائی شد.

حاج حسین باشکم برآمده وقیافه پف آلودخود پشت میزی نشسته‌سرگرم گات وشنود باسروان امنیه بود وچون‌چشمش‌بقلعلی افتاد گفت بازهم که کارو زندگیت راول کرده بودی و نمیدونم بکدوم جهنم دره رفته بودی اینکه وضع کار کردن نیست بنظرم دست‌وپالت‌جائی بنده سروسری داوری هردفعه که‌دنبال‌تو فرستادم هی‌بوروآنور رفته وگندمهارو یك دختربچه زبان نفهم سپردی مگر نگفته بودم زود کلك اینهاو بکن وتوکیسه‌مون بکن وتحویل نه کرم بده‌من بپول آنهم احتیاج دارم امروز سرم شلوغه،غریبه که‌اینجا نیست،لم‌موای و کالت کرده،ترا بخدا جناب سروان دوراز شما چه‌چیز من ازهمه کمتره پول میخوان دارم رعیت ومال ومثال گله‌وگاو وگوسفند زیردس وپام ریخته،پارتی که تخاو،توی‌همه دستگاهها ازجون ودل برام پی‌فرمونند،امامواد‌ش‌حرف سر اینجاست اینهم آسونه مکه‌اونهای دیگردارند که‌منش داشته باشم نه‌واله، اما این حرفها میون من‌وجناب سروانه‌و بقلعلی مربوط نیست‌فقط اون باید پول برسونه، من چه‌میدونم اینها دیگه بمن‌ربطی نداره

آنگاه هردو بصدای بلند خندیدند وازقهقهه کریهشان اقلعلی‌دلش هری توریخت وباچشمان دریده وآتشین زبان بی‌حیای هر دو را میدید که چگونه میان دهان گله‌گشادان میرقصد وداشت ازفرط بغض وکینه ازجای کنده میشدکه سخنان گرم وپرامید مش‌یداله،آن جمله‌های خونین وانقلابی،آن کلمات الهام بخش ورهائی دهنده ازدرد ومذلت،سختی وتنگی سرجایش نگهداشت ودلش‌را بدست آورده.

بادمهرگان دشت ودمن باغ‌وچمن وسروروی اهالی مشکین شهررا از خاك‌وخل وگردوغبارهمچون‌غرابه سرکه و مـرتبون سکنجبین انبارنقالی پوشانده بود.

دمکراتها برتبریز دست یافته بودند‌رحامیشان مثل‌موخوره‌ریشه‌میدواند دامنه این اغتشاشات نیز بمشکین‌شهریکی‌ازتوابع اردبیل کشیده شد.

دریکی ازهمین روزها بودکه‌ناکهان اهالی شهر که‌مخفیانه بوسیله‌دمکرات ها مسلح‌شده بودند بپادگانها وخانه های اربابی هجوم بردند ، درآنمیان بخوبی قیافه‌های سرخ‌وآتش گرفته مش یداللهٔ که تفنگی‌درآغوش گرفته بود ،بیوك‌آقا ، نورعلی؛ که آن‌ها نیزپشت مسلسلی قرار گرفته بودند دیده‌می‌شد حتی‌اقلعلی هم‌از پای‌نشسته بود وباداس‌تیز وبراق‌خود درآن‌میان‌ورجه‌و ورجه می کرد.

همه باهم کارمی کردند همه از برای بنای انقلاب ازجان ودل خشت‌می زدند پی‌میریختند وخون پاکشان‌را باآن میآمیختند ، داس قلعلی چه خوب‌دروی می کرد ازرگبار مسلسل‌هم بهتر آخرآن‌را ازمدتهاپیش‌تیز کرده بود.

مثل این که جوان‌شده بود آیاانقلاب پیرراهم جوان می کند وسر شوق می‌آورد.

اوکه تادیروز پانداشت ،اوکه برای‌یك‌قدم‌راه رفتن‌عصا وچوب‌دستی می‌خواست وآخرهم سکندری‌میرفت حال نهمیدم داس انقلاب‌عصای اوبود که‌یك چنان‌جربزه وچنین بهادری پیدا کرده بود وبا این سن وسال قالتاق کهنه‌شده بود و دشمنان خودرا دوآسمان بیم می‌کشت.

روبهمرفته‌وضع بلبشو وبکش‌بکش بود، چه‌خونها که فواره‌می‌زد وچه قلب‌ها که خنجر بخود کشید.

بهرجهت هرچه بود انقلاب‌بود ومیبایست خیلی ازحسابها تصفیه شودچند روزی گذشت کم کم‌آبها ازآسیاب‌افتاد اما تواین‌هیرو ویرمش‌یداللهٔ بیش‌از همه برای‌خودسمت رسمی ومشخص خلق پیدا کرده بود، خوب‌مش‌م همین‌بود الحق‌و الانصاف هم بیشتر کارها ونقشه‌ها بدست‌او ودوسه‌نفردیگر ازجمله بیوك‌آقا و نورعلی‌طرح شده و انجام گرفته بود.

خلاصه کلام‌از این پس‌مشهدی‌را اقجاواسم خان برداشتند واورا جناب سروان‌خواندند.

امانه خیال کنید قهوه‌خانه خودرا ازدست داده برعکس‌آن‌را بدست بیوك آقا سپرد وهزارجوربساط‌نشاط درآن‌آراست ودرمواقع‌فراغت‌شخصاحاضر گشته بادو صد ناز وکرشمه شیشیلی کلان‌وباج‌وخراج ٦ ستاره خودرا دریافت میداشت.

باگذشت‌زمان اشیاء رنك دیگری بخود می گرفتند و مقاصد بانیان انقلاب کم‌کم‌آفتابی می‌شد برای جناب سروان انقلابی از تبریز مرکز فرقه دمکرات مرکزفرقه دستور رسیده بودکه افراد عضوبساید لباس محلی را دور افکنند وانیفرم افسران وسربازان روسی را بپر کشند.

اما اجرای‌این دستورچندان مشکل‌نبود زیرا احساسات وتعصباتی که‌افراد انقلابی درابتداء داشتند این‌چیزهارا نادیده می گـرفتند و اهمیت نمیدادند ولی موضوع باین‌سادگی‌هانبود وهرروز پیچیده‌تر میشد اگـر تاحال‌می‌بایست البته ارتش شوروی‌رادربر کنندازاین ببعد می‌بایست باتعداد زیادی از خود آنها باسم مهاجرین‌قفقاز دوبروشوند وسروکله یکدیگررا مالامال از بوسه آبدار کنند و برای‌اینکه افکارعامه را دام‌نمایند عکس‌های زیادی ازسران فرقه منتشرساختند درحالی که آنهارا باافسران روسی دطل‌زنان زیرپرچم پاشاسین استالین‌پاشاسین پیشه‌وری باش‌وزیر ومقداری پاشاسون‌های دیگرنشان میداد وباین ترتیب بنظر خودشان شاهکار زده بودند

اماانقلابیون واقعی که تشنه اصلاحات در قلمرو حکومت خود بدون چشم داشت بیگانه‌بودند اواین پایه خانه‌مقدس انقلاب را برنك‌اجنبی آلودند ورشته های محکم وتافته ایمانشان سست و نحیف شده تازه پی می بردند که ای‌بابا صد رحمت بارباب‌اولی تمام این کشمکش‌ها وزجرها ودادن هزاران قربانی فقط برای افتادن دردام مدام ارباب قلدر وقلندر بی‌شدوبار دیگری بوده است ورق بر می گشت وافکار پراکنده میشد آنها که طرفداربیگانه بودند نانشان توی‌روغن و لقمه‌اشان چرب وچیل‌بود

اما آنها که نمی‌خواستند باتکای اجنبی‌قدمی دیگر فراتر نهندوازهمکاری بافرقه ننگین شرم داشته کنج زندان‌های سرد و نموری بافجیع ترین وضعی هلاك میشدند

در میان انبوه آنـان چهره زرد و داغ، بسته قلعلی بخوبی مشاهده میشد که چگونه با تـن رنجور و حال نزار به‌گوشه زندان افتاده

کابوسهای وحشتناك وروپاهای پرشیب وفراز زندگی روح و جسمش‌را دردمیداد، درنظرش می‌آمد که‌چطور دختران جوان وزیبایش‌رابزوراز دسروان یداله بردند و پس ازدوروز دخترش درحالیکه گوهر عفت خود رااز دست‌داده بود نزدش مراجعت کرد واشك‌ریزان دردامنش آویخت

اوهم‌که ازگم‌شدن طفلش هراسان شده‌بود وحال‌باچنین وضع ناجوانمردانه وطاقت فرسائی روبروگشته‌بود بسرعت پیش جناب سروان رفت و فـریادکنان چنین گفت:

خجالت نمیکشی ، پست‌فطرت ، بیسروپا ، آیا تواز نزدیکترین‌دوستانت نیزچشم نگرفتی و بناموس اودست درازی کردی این‌بود معنی لهفتی که‌توهرروز کنج قهوه‌خانه خراب شده‌ات درگوشم میخواندی ومرابرای مکتب‌انقلاب‌می‌بخشی وتربیت میکردی

ها این بود پاداش آنهمه فداکاری‌ها که درراه نابودی ارباب جبار داخلی از خودتان دادم غافل ازاینکه درچنك اربابان خارجی گرفتار خواهم شد ننك ابدی بر دامان شما اجنبی پرستان که زحمات بی‌حد وفداکاری‌های بی‌نهایت‌مامردم ساده وفرسوده را هیچ بهیچ کردید ویکجا برباد دادید اما نه‌من بالاخره انتقام خودرا از شما بدصفتان خواهم گرفت.

آری‌بدنبال‌فداکاری‌نخستین‌درس‌فداکاری‌خودرا که‌واژگونی شماخائنین‌ومیهن‌فروشان است همراه‌هزاران‌افرادناراضی و ازجا گذشته انجام‌خواهیم‌داد،بیچاره قلعلی باگفتن

این کلمات دوسیلی جانانه برخ گرفت وچند سرباز شاش کشان او را بسوی زندان بردند.

طفلك حالا ازبیادآوردن این مناظر شوم وآن در باغ سبز نشان دادن موهوم درخود فرورفته بود وربحش درنظر جسمش همچون رسوب آبلیمو فرط انداخته بود.

یکسال از این مقدمه گذشت بتدریج بادسرد وپرگرد مهرگان‌برای‌دومین بار وزیدن گرفت.

سربازان ایران‌هرآن درانتظار حـرکت بطرف مرزهای بسته آذربایجان عزیز بودند.

دمکراتهانیزدر کوههای قافلانکوه اشخاص اجیرو‌افرادناراضی رابزور وتهدید درسنگرهای زیر وخشن‌جای‌داده بودند.

عاقبت‌آتش نیرومندایران بجانب‌آذربایجان غران ازجای کنده‌شد وبی صبرانه بتعقیب‌وطن‌فروشان پرداخت‌وهرچه نزدیك تر می‌شدیم و هراس دل‌های متشنج‌وزهرآلود دمکرات تمام‌ها‌را ازطپش بازمی‌داشت،اما پیش‌ازآن که‌سربازان دلیر سلاح رروی‌آنان کشند همه‌جا مردم‌فریب‌خورده ، خلایق هم‌تیپ قلعلی ها نورعلی‌ها سزای خیانت کاران وبیگانه‌ستایان را باشدت‌هرچه بیشتر اداکرد شهر ها یکی‌پس‌از دیگری آزاد‌می‌شد مشکین شهر یکی‌ازآن‌ها بود.

آذرماه‌بود که مردم‌شورش کردند وبقتل‌وغارت اعضای‌فرقه قلابی کمربستند میان‌شورشیان ؛ درآن‌جنجال عجیب و کشتار غریب قلعلی پای برهنه با زیر جامه پاره پاره وشلوار گشاد کرباسش‌درحالی که داس زنك زده‌اش رادر دست‌میچرخاند برای خودش فعالیتی داشت همین پیرمرد مردانی وفکسنی مردم‌برگشته را بیاری طلبیده بودوقیام نهائی‌را برضد دروغگویان روس پرست،آن فراش‌ها، کلاشها، آن‌عیاش‌ها ،خائن‌تراش‌ها ، وزیرباشی‌ها ، بلاشی‌ها ، اوباشها ، فحاش‌ها، نعاش ها ،خفاشها آغاز کرده‌بود.

اوسپرده‌بود هرکس‌سروان یداللهٔ‌را پیدا کرد بدست‌اودهد عاقبت‌بآرزوی خودرسیدو دوفرداز یاداش طعمه موردتقاضا یش‌را کت بسته تحویلش‌دادند واو هم باانتقام صدها قربانی‌داس‌زنك‌زده‌اش‌را باخون گردن مش‌یداله شست‌وشوداد و زنك‌پا را ازچهره داس مقدس‌زدود

اواکنون برسرنعش خونین‌جناب سروان‌اسبق مستانه‌نعره میکشیدودیوانه وارهلهله می کرد بازهم‌پرچم انقلاب بالا رفته بود.

و از تیر چراغها اجساد بیروح و مزدور رسوایساز و ماکداران ، آویزان گشته بود.

در اینجا بودکه زبان رسای درخت کهن سال بندآمد و ازوحشت بخود می لرزید اطفال خرد و کوچکش که کرد اوحلقه زده‌بودند افسرده وغمگین گوش به سخنان مادرخود میدادند این‌حالت ناگهانی‌را دراو دیدند متوحش سر باطراف کشیدند ونمیدانستند چقدر بیم وهراس داشت

پیردهاتی باتبر آهنین خود بیش‌از چند پا از اوفاصله‌نداشت، معطل‌نکرد لبخند زنان تیشه بریشه درخت تنومند میزد و اورا ازپای می کند نهالها و قلمه ها برای او ماتم گرفته بودند وچون زمینه‌هم‌قبلا فراهم‌شده بود همراه بادودست و بال نازك‌وظریف خودرا برسروپیکر خویش می کوفتند ودردنیای شکنجه‌وعذاب سرمیکردند.

ضربات پی درپی پیردهاتی همچنان بربدنش‌فرومیرفت وهنوزناله کلامش را ازدست نداده ناله کنان میگفت.

آذربایجانی ، درود بروان پاك شهدای، توکه‌درراه طردهواخواهان‌بیگانه وخائنین بابن‌خانه از هیچگونه کوششی‌فرو گذاری نکردند

آذربایجانی چگونه فراموش کند یادیگرچه نغمه فریبنده‌ای‌میتوانداو را بقبولاند که هنوزماهی ازحکومت دمکرات‌ها‌نا نرفته بود که‌چکمه‌های بیگانه به پایشان‌رابوسه‌زدوانیفرم‌اجنبی را برلباسیکه‌دودمان نو سالها حفظ کرده بودنـد ترجیح دادند آن ظاهرنماهای کذاب خودبرعلیه‌سرمایه‌داران وملاکین قیام کردند غافل از اینکه ارباب گردن کلفت‌وسبیل‌زمختی چنگال‌خونینش رابر گلوی آنان‌نهاده بنوکریشان وامیدارد.

با تضعیف ارتش بیرون

بقیه از صفحه ۱

بیگانگان زمامدار ایران شدو قتی رفته رفته از سر نوشت خویش اطمینان پیدا کرد یك یك مهره های شطرنج سیاست بیگانگا را بانواع و اقسام وسائل از میان برد.

رضاشاه با این نقشه مدبرانه دست و پای بیگانگان را تا آنجا که توانست قطع کرد وقدرت و سیطره خودرا بقدری پیش برد که در برابر تقاضاهای غیر عادلانه آنان همیشه مقاومت می کرد.

مقاومت رضاشاه با نقشه‌های ظالمانه بیگانگان تا آنجا شدت یافت که بالاخره انگلیس ها ناچار شدند که تن باشغال نظامی ایران داده و با کمك شوروی ها رضا شاه را بردارند!!!

انگلستان بخوبی میدانست که قشون روس سال‌ها بلکه قرنها درانتظار تسلط برایران است تا بتواند در شرق قدرتی کسب کند و سال‌ها بود که انگلستان با انواع وسائل با این نقشه ونظریه روسیه جدا مبارزه می کرد . وباین جهت بایدبه آسانی قبول کنیم که انگلستان با علم و اطلاع کامل از قصد روسیه باتوجه باین که روس‌ها این باره «مکتبی» نیز درست کرده‌اند که به آسانی درمشرق زمین نفوذ خواهند کرد و مشکلات بسیار مهمی را برای سیاست انگلستان پدید خواهند آورد راضی شدند که پای قشون سرخ و سیاست «کومین فرم» بایران بازشده ومشرق زمین تبدیل بیك پارچه احساسات ضدانگلیسی توام با انقلابات و حوادث مهم وقتلها و ترورها وغارت ها وغصب اموال وغیره بشود.

ولی رضاشاه ازایران برود!!

یعنی : ملت ایران نتواند برهبری یکمرد بزرك و لایقی درجهان تمدن قرن بیستم طلوع کند.

....

....

***

اینك ببینیم درحال حاضر چه جریاناتی درکشورما پدیدشده وچه حوادثی درپیش است وچه سرنوشتی درانتظار ماست ؟

از یکماه ونیم قبل روزنامه براوادا وسایرخبرگزاریهای وابسته با آنها مطالبی درباره ارتش ایران منتشرساختند . این مطالب تا آنجا پیش رفت که حتی در جرائد ومجلات امریکائی و انگلیسی و فرانسوی نیزرخنه کرد که مقدارزیادی از آنها بفارسی ترجمه و در اغلب جرائد و مجلات پخش گردید.

با این زمینه سازی محکم ناگاه روزنامه مخفی الانتشار «مردم» ارگان حزب توده نامه تند و سیارزننده‌ای درباره ارتش منتشرساخت که همانروز عصردر روزنامه شهباز و فردا درروزنامه بسوی آینده وسایرجرائد وابسته بآنها آن مطالب را با شکل زننده تر و پرآب تری منتشر گشت.

دراین نامه کمیته مرکزی حزب توده تا آنجاکه ممکن بوده بزرگترین وزننده ترین تهمت‌هارا بتمام مقامات مملکت (بجز تنی چند که برحسب مقتضیات با آنان همکاری میکنند) داده بودند.

عموم ارتشیان را متهم کرده وشاه را هم ازمحرکین وسرچشمه این بزرگترین تفریه معرفی کردند.

این مطالب دو روزی نقل محافل سیاسی گشت وخاتمه داستان منتهی باخراج عده‌ای ازافسران ارشد وامرای سابقه دار وتحصیل کرده گردید.

درمیان این افسران کسانی بودند که همیشه درخدمات مهمی شرکت داشته و مصدر مهمترین حوادث تاریخی درایران شده بودند.

وبلحاظ تندی وجسارت طبیعی که در آنان بود درسنین کوتاه عمرخود طی مدارج کرده و موفق بگرفتن مدالهای بزرك از ایران وسایر کشورهای جهان گردیده بودند وکوچکترین لکه ای در زندگی نظامی بعضی ازآنها نمیباشد.

و گذشته ازاینکه طرزاخراج آنان بسیارزننده و ناشایسته بود باید اعتراف کرد که لطمه‌ای بزرك بارتش وارد شد.

در درجه اول اعلام نشده که فلان افسر با آنهمه سوابق بچه علت اخراج شده ودیگری بچه علت وآن یکی برای چه و... و... و...!

وباین جهت هیچ افسرشاغل نتواند بداند که دزدی وسوء استفاده کردن دلیل بازنشسته کردن این افسران بوده یا تحصیلات وسوابق سیاسی آنان، تااینکه دزدی نکنند یا در آن جریانات شرکت نداشته باشد.

دردرجه دوم تنی چند ازاین افسران ازنزدیکان شاه بوده وهمیشه با جریانات ضد سلطنت ارتش مبارزه میکرده اند و هیچ گناهی نداشته‌اند جزاینکه ازنزدیکان شاه بوده وچه درارتش وچه درغیرارتش همیشه به نفع حفظ مقام سلطنت گامهای موثری برداشته‌اند.

دردرجه سوم : اینطرزبازنشسته کردن افسران بزرگترین ضربه را بروحیه ارتش وارد کرده وتزلزل روحی عجیبی دردل افسران میهن مایدیدار کرده که میتوان گفت افسران ما از سرنوشت خود اطمینانی ندارند!!

. . . .

بااین مقدمات بخوبی روشن استکه با نقشه کرملین و مقامات کمونیستی یك طرح سیاسی برای تضعیف ارتش و کوبیدن شاه بمنظور ایجاد یك حکومت کمونیستی در ایران برای تسلط بر مشرق بخوبی انجام گرفته است؟؟

مادراینجا صریحا اعلام میکنیم که اخراج افسران باین شکل برای خالی کردن اطراف شاه وتزلزل ارتش بوده واگرهم چنین قصدی درمیان نبوده بی تردید دارای چنین نتایجی بوده است.

مادراین باره تحقیقات لازمی خواهیم کرد و نتایج آنرا باطلاع ملت ایران میرسانیم که چه دستهائی در ایجاد چنین صحنه سازی مهیب ووحشتناك سهیم بوده‌اند

جناب آقای دکتر مصدق که سمت نخست وزیری ووزارت دفاع ملی راعهده دار شده‌اند بطوریکه در جرائد منتشر شده این داستان را از عهده خود خارج کرده و گفته اند که کمیسیون مسئول این لیست را تهیه وبایشان داده‌اند.

وباتوجه باینکه هدف‌ما وجناب آقای دکتر مصدق درمورد نفت وسایراقدامات اساسی ومفید ملی ایشان کاملا وحدت و یگانگی دارد بخوبی متوجه این نکته هستیم که دراین موقعیت حساس ووخیم مملکت باید با کمك گامهای موثر ایشان کشوررا از مخاطره نجات دهیم وبهمین جهت بانگارش این مطالب توجه ایشانرا باین موضوع مهم وحیاتی کشور جلب میکنیم که باعضای کمیسیون مزبور امر بفرمایند که علل وجهات مرجعه این اقدام خودشان را برای ما بفرستند وبا تشریح کامل دلائل خودشان تکلیف همه را روشن سازند

مخصوصاما باتصفیه ارتش کاملاموافقیم ودراین باره نظریات خودمان را انتشار خواهیم داد زیرا همانطور که گفته‌ایم مسئله ارتش باسرنوشت کشور ما و اینده ماو فرزندانمان بستگی تام دارد.

گرچه اعضای کمیسیون هنوز رسما نظریه خودرا اظهار نکرده اند که بچه دلیل این نقشه وحشت آوررا اجراء کرده‌اند.

«ما» صریحا اعلام میکنیم کەدراین‌هنگام وحشتناك برای این مبارزه را شروع کرده‌ایم که کشورمان رادر آستانه اضمحلال وسقوط وآینده خودوفرزندانمان راسیاه وتباه می بینیم وبرای نجات آن قیام کرده ایم.

و بهمین جهت ازعموم ملت ایران برای پیشرفت خود استمداد میکنیم.

مخصوصا ازافسران ارتش (شاغل و بازنشسته) انتظار داریم که هرچه زودتر با ارسال مطالب ومقالات مفید بما کمك کنند وحقایق مهمی را از این جریانات مخفی باطلاع مابرسانند تاما درراه مبارزه خود باچشم باز جلو برویم و کشوررا ازآستانه خطر نجات دهیم

مبارزه ما دراین راه باشدت ادامه خواهد داشت.

ازدوشیزه عادلدخت خلعتبری

متخلص به (ترانه)

تا بکی؟

تابکی درکشور جم زاده دهقان فقیر
تابکی درجهل باشد طفل دهقانی اسیر
تابکی از جوروظلم کارفرما کارگر
با محن هم بستر وچشمان اوازاشك تر
تابکی‌ازظلم ضحاکان‌خون‌آشام پست
مردم محروم را زنجیرها برپا ودست

تا بکی یکعده اهریمن ز استثمار خلق
حضرت اشرف شوند وسرور وسالارخلق

تابکی ززمونس‌دخت غنی در روز کار
مونس بیچارگان غم باشد اندرشام تار
تابکی درکشور جم پایه ظلم استوار
تابکی جهل وفساد وحیله باشدپایدار
چندازبیداد خان‌ای رنجبر کرباره شوی
ازستمهای گروه ناکسان‌حیران شوی
تابکی راج وملات مونس‌وباورترا
چند باشد گفته ارباب دون باورترا

چند باشد کودك مفلوك تو افسرده جان
چندگرید کودك بی مادرت از بهر نان

خیز و برپاکن قیام و انقلاب‌آتشین
محو کن بدخواه خودرااز‌یسارواز‌یمین
پایه های‌ظلم‌واستبدادرا کن واژگون
خانه بدکاری اهریمنان را سرنگون
دست کین‌خویشتن از آستین‌بیرون نما
ناخن‌خودرا‌خضاب‌ای کار گراز‌خون‌نما
تاکه درآغوش گیری شاهد فتح وظفر
ملك ما گردد بهشت‌دیهقان وبرزگر
تیره‌ابر تیره‌بختی ازنظر پنهان شود
دشمن آزادی وآزادگی بی‌جان شود
کوکب آزادی‌وصلح‌وصفا تابنده باد
ملت ایران (ترانه) تا ابدپاینده باد

شیلات را هم ملی

بقیه از صفحه ۱

بدولت ایران پرداخته شود ونیز درسال ۱۳۱۱ قمری میرزاعلی‌اصغرخان اتابك باوارث لیانازوف یعنی ژ.لیانازوف قرار دادی بمدت بیست و پنجسال بست ژ.لیانازوف شرکتی باسرمایه ۹ملیون روبل طلا دایرنمود و آن شرکت را شرکت سهامی لیانازوف نامید وباکمك سه پسرخود مارتین ولئون واستپان‌شروع به بهره برداری نمود

لغو قرارداد

درسال ۱۹۱۷ میلادی که انقلاب بلشویکی روسیه آغازشد لیانازوف بدولت ایران اطلاع داد که حاضر است بابت مال‌الاجاره سال بعد شیلات مبلغ ۲۰ هزار لیره انگلیسی بدولت ایران بپردازد ازآن تاریخ تاهشت ماه جوابی به لیانازوف داده نشد تااینکه پس از هشت ماه دولت‌تقاضای پرداخت ۴٦۰ ه زار فرانك مال‌الاجاره ازلیانازوف نمودوچون ورثه لیانازوف بعنوان اینکه‌اموالشان‌بوسیله بلشویکها ازبین‌رفته ازپرداخت پول خودداری نمودند در۱۲ خرداد ۱۲۹۷ قرار داد بوسیله مشارالملك وزیرمالیه‌وقت فسخ گردید

امتیاز جدید و تهدید بلشویکها

پس از لغو قرار داد لیانازوف که بوسیله مشارالملك نقض گردید امتیاز شیلات بشخصی موسوم‌به گریگور پطرویچ وانیتسف داده شد ولی بلشویکها نام برده را تهدید بمرك نمودند وی‌شبانه بپاریس فرارنمود پس ازآن موضوع دولت ازلیانازوف‌ها خواست که دوباره بادولت ایران قرارداد به بندندولی لیانازوفها حاضر نشدند ودرنتیجه یکسال ونیم بعد بواسطه اختلافی که بین‌آنهاردولت‌ایران رخ داد کارآنها بمحکمه کشید برای اختلاف موجوده برسرشیلات ازطرف لیانازوفها مسیو کوس‌نیسکی ومسیوآقابابوف وازطرف ایران معتشم السلطنه وزیر فرهنك مشارالسلطنه وزیردادگستری عمیدالسلطنه وزیر فوائد عامه بعنوان حکم تعین شدند بالاخره پس‌از مدتها مطالعه درسال ۱۳۰۲ از طرف حکم ها این حکم بنفع لیانازوفها صادر گردید که الغای قرار داد شیلات از طرف دولت ایران درست نبوده و پس از آن حکم پانزده سال دیگر قرارداد شیلات بین‌لیانازوفها وایران‌منعقد گردید که اساس ان بر تقسیم صدی پنجاه بود

ناپدید شدن اسرارآمیزمارتین لیانازوف

مارتین‌لیانازوف‌ولئون‌وریتکالیانازوف که ورثه ژ.لیانازوف‌بودند‌برای بکرسی نشاندن حرف خود بارجال ایرانی تماس گرفتند تا اینکه بالاخره حکم بنفع‌آنها صادرشد ودرهمین‌موقع بودکه مارتین لیانازوف بوضع آسرار آمیزی ناپدید شد ودولت شوروی رسما بامقامات ایرانی تماس گرفت وبرای بستن قرار داد با وارث‌حیل وتشبثات متوجه گردیدودولت روسیه ادعا میکرد که‌چون‌لیانازوف تبعه روسیه‌بوده وما ترك افراد یك کشور درهر کجا که باشد متعلق بآن کشوراست وازجمله امتیاز شیلات هم جزو دارائی او محسوب میشود بدین واسطه خودرا جانشین لیانازوف معرفی مینمود مدت سه سال امرشیلات دچاروقفه شدودراین مدت مابین دولت ایران و شوروی برای تشکیل یك شرکت مختلط مکاتبات زیادی مبادله شد تا اینکه درسال ۱۳۰۰ شمسی دولت ایران ودولت‌شوروی‌طبق عهدنامه که منعقد کردند کمپانی‌مختلط ایرانی و روسی بوجود آوردند و امتیاز شیلات را برای مدت ۲۵ سال باین کمپانی دادند

مواد مهم این‌امتیاز بقرارذیل است:

۱ـ مدت امتیاز ۲۵ سال

۲ـ کمپانی ازشش‌نفرعضو تشکیل میشود سه نفر ایرانی وسه نفر روسی و ریاست هیئت مدیره درهرمدت ۱۰ سال بایکی از طرفین ومعاون‌آن‌ازطرف دیگر میباشد

۳ـ محل کمپانی تهران است

٤ـ دولت بازپرسی در کمپانی باید داشته باشد که حقوق وی‌را از قرار سالی شش‌هزارتومان کمپانی بپردازد

۵ـ آلات وادوات کمپانی از گمرك معاف است

٦ـ اگر کمپانی احتیاج بزمین داشت واگرآن زمین مال دولت بود مجانا واگذار کند واگرمتعلق باشخاص است بقیمت عادلانه خریداری نماید

۷ کمپانی میبایست هرسال‌صدی ۱۵منافع‌خالص خود را بایران بدهدو قیمت را بنفع ۹ تقسیم نمایند.

۸ـ بعداز تمام شدن مدت امتیاز تمام تاسیسات شرکت و وسائل و آلات ماهی گیری متعلق بایران است

باید دانست که شیلات درآستارا وبندر پهلوی حسن کیاده تاسیساتی برای صدور ماهی بخارج ومحفوظ نمودن خاویار درقوطی‌های سربسته و سردخانه‌دارد ونیز دربندرپهلوی کارخانه برق کوچکی هم‌متعلق بشرکت شیلات میباشددرشمال ایران ماهی باقسام مختلف یافت میشود.

درگیلان چهارده قسم ماهی ودرمازندران هشت قسم ودرگرگان چهارقسم ماهی صید میشود که معروفترین آن بدین قرار است سوف سیم آزاد قزل آلا کپور چکا ماشك کولی پلور ماشی طلاوج خاویار علاوه برصید ماهی های‌فوق همه ساله مقدار کثیری ماهی خاویارصیدشده وخاویار آن‌را بشکل سیاه وملح بخارج میفرستند ومخصوصا دربازارهای اروپا مانند طلا داد وستد میشود

ماميدانيم که دولت‌شوروی‌بهیچوجه مایل نیست‌ازمنافع سرشارشیلات چشم بپوشد ولی انتظار داریم که جناب‌آقای دکتر محمد مصدق رهبر ملی ومحبوب ما که برای استیفای حقوق ملت ایران از شرکت غاصب نفت صمیمانه فداکاری نمودند درباره شیلات نیز اقدامات جدی تری بنمایند تامردم ایران ازثروت‌خدا داد خود تمتع برگیرند.

جناب‌آقای دکتر مصدق بدانید که دراین راه ملت ایران‌هم‌گام‌شماخواهد بود وما تاجان داریم ازبرنامه های ملی ایشان پشتیبانی خواهیم کرد

اخبار جهان

دوکاسپری نخست وزیر ایتالیا به بن وارد شد

بن ـ آسوشیتدپرس ـ دوگاسپری نخست وزیر ووزیرامورخارجه ایتالیا به بن پایتخت آلمان غربی وارد شد مسافرت وی جنبه رسمی دارد و مشارالیه مدت ٤روزدربن خواهد ماند.

دکترادنائرصدراعظم آلمان غربی در تابستان گذشته برم مسافرت کرد و دوگاسپری برای بازدید او به بن رفته است. ازتاریخ شروع جنگ دوم جهانی این اولین باراست که یکی ازرهبران ایتالیا به آلمان مسافرت میکند.

خدمات پزشگی در مصرمجانی میشود

قاهره ـ رویتر ـ وزیر بهداری مصرتصمیم گرفته است لایحه‌ای تنظیم کند تا فن طبابت درمصر باحصاردولت درآید. بموجب این‌قانون کلیه پزشگان تحت‌نظر دولت انجام وظیفه کرده ومجانا مرضی‌را معاینه ومعالجه میکنند وحق‌الزحمه خود را بمیزان معینی ازصندوق دولت دریافت میدارند.

این قانون دراواسط ماه آینده بمرحله اجرا درخواهد آمد.

نواحی نزدیك مرز پاکستان وهندوستان شبها در خاموشی بسر میبرند

دکا ـ آسوشیتدپرس ـ درنواحی واقع درنزدیك مرزهندوستان‌وپاکستان در هرهفته چندساعت شبها در خاموشی بسرمیبرند و این خاموشی تحت نظارت مقامات وزارت دولتین مزبورصورت می گیرد مقصود پاکستان ازخاموشی کنترل و جلوگیری ازقاچاق کنف بهندوستان‌میباشد وحال‌آنکه خاموشی درنواحی واقع در خاك هندوستان بعلل دفاعی صورت می گیرد

ترومن نطقی در محله سیاه پوستان نیویورك ایراد خواهد کرد

نیویورك ـ رویتر ـ ترومن رئیس جمهوری امریکا روز یازدهم اکتبر در هارلم یعنی‌محله سیاه‌پوستان نیویورك نطق‌مهمی دربارەحقوق مدنی ایراد خواهد کرد وبهمین جهت قراراست جایزه بشردوستی فرانکلین روزولت‌رئیس‌جمهوری فقیدآمریکا درسال جاری بترومن داده شود

رادها کریشنان معاون رئیس جمهوری هندوستان ازایران وکشورهای خاور میانه واروپا دیدن میکند

دهلی ـ اسوشیتدپرس رادها کریشنان معاون رئیس جمهوری هندوستان روز ٢٤ سپتامبر ازمبئی بطرف ایران‌و منطقه خاورمیانه واروپاره‌سپارخواهد شد وی درنظر دارد مدت هشت‌هفته ازکشورهای این‌منطقه‌دیدن کند.

محافل نزدیك برادها کریشنان اظهار داشتند که مشارالیه‌دراین‌مسافرت ماموریت رسمی ندارد وفقط بمنظور ایجاد حسن‌تفاهم بین هندوستان و کشورهای خاورمیانه واروپا باین کشورهامسافرت میکند

بعضی از جرائد هند نوشته بودند که‌پاندیت نهرو نخست وزیر هندوستان معاون‌رئیس‌جمهوری را برای ماموریت خاصی باین‌کشورها گسیل میدارد ولی این‌خبر مورد تکذیب‌قرارگرفت.

رادها کریشنان که‌ضمنا رئیس کمیته اجرائیه‌موسسه‌علمی، تربیتی وفرهنگی سازمان ملل‌متحد (یونسکو) میباشد درجلسه شورای عمومی یونسکو که در ماه نوامبر درپاریس تشکیل‌خواهدشد شرکت‌خواهد کرد.

جبهه ملی لبنان بنفع کامل شمعون برای احراز مقام ریاست جمهوری فعالیت میکند

بیروت ـ اسوشیتد پرس ـ سرلشکر شهاب کفیل ریاست جمهوری لبنان با درخواست مخالفین بشارالخوری رئیس جمهوری سابق دائر براینکه بشار الخوری باید لبنان را ترك گوید موافقت کرده بود وبشارالخوری‌دیروزازلبنان خارج شد ولی‌جزئیات مربوط بخروج وی ازلبنان هنوزافشاء نگردیده است‌ضمنا مبارزات انتخابات ریاست‌جمهوری لبنان بین‌کامل‌شمعون‌وحمیدفرنقیه‌باشدت ادامه دارد. کامل شمعون نامزد جبهه ملی سوسیالیستی لبنان میباشد که‌براثرمخالفت های شدید آن بشارالخوری مجبور بکناره گیری گردید کمال جنبلاط رهبر جبهه ملی باشمعون ورقیب اوفرنقیه مذاکراتی بعمل آورده وازقرارمعلوم‌درنظر دارد فرنقیه‌را درشرکت مبارزات انتخاباتی تشویق کند

طرفداران سرلشکر شهاب معتقدند که‌وی‌خودرا برای ریاست جمهوری کاندیدا خواهد کردولی مشار الیه صریحا اظهار داشته که نامزد ریاست جمهوری نمی باشد

نتیجه انتخابات پارلمان سوئد

استکهلم ـ رویتر ـ نتیجه انتخابات نمایندگان پارلمان سوئد بدین‌شرح‌است ازدویست وسی کرسی پارلمان حزب سوسیال دموکرات ۱۰۹ کرسی کشاورزان ۵۹ کرسی، لیبرالها ۲۷ کرسی، محافظه کاران ۳۰ کرسی، کمونیستها ۵ کرسی.